

اثر پول هوشمند

مقدمه

مؤسسات مالی بزرگ مثل بانک‌ها و صندوق‌های مالی بر بازار فارکس مسلط هستند. گفته می‌شود که معاملات آن‌ها بیش از ۷۰٪ کل حجم روزانه‌ای است که در بازار فارکس ایجاد می‌گردد. در حقیقت بیش از ۳٪ این حجم تنها از دو بانک حاضر در بازار تولید می‌شود. وقتی درصد عمده‌ی بازار بانک‌ها هستند، مطالعه آنها و فهم اینکه چگونه عمل می‌کنند یک اولویت اساسی برای ما می‌باشد.

شناختن شرایطی که آن‌ها یک معامله باز کنند یا برداشت سود انجام دهند بسیار مهم است زیرا اینها باعث تحرک در بازار می‌شود. تحرکی که اگر ما جریان آن را بدانیم می‌توانیم از کنارش سود ببریم. هدف این فایل بیان مشروح نحوه فعالیت مؤسسات بزرگ در بازار فارکس می‌باشد. ما به بررسی موارد ذیل می‌پردازیم، اینکه:

چگونه محل قبلی ورود به معامله بانک را پیدا کنیم؟

چگونه محل احتمالی ورود به معامله آنها را شناسایی نماییم؟

چرا آنها وقتی دنبال ایجاد یک اصلاح در روند فعلی هستند معاملات خود را به معاملات کوچک‌تر خرد می‌کنند و چرا وقتی معاملات خود را خرد می‌کنند اولین معامله آنها بزرگترین معامله در یک مجموعه معاملات کوچک‌تر است؟ بالاتر از همه این موارد می‌توانید زمان برداشت سود بانک‌ها از معاملاتشان را با نگاه به تغییرات در ساختار قیمت تشخیص دهید و همچنین از تاثیر جلسات تجاری مختلف بر این امر آگاه شوید و در نهایت درک می‌کنید که چگونه بانک‌ها به یکدیگر برای پول‌سازی از بازار کمک می‌کنند. خیلی مطالب بیشتر برای اکتشاف در این فایل وجود دارد که بر عهده خواننده خواهد بود. امیدوارم از خواندن آن لذت ببرید.

سه تصمیمی که یک معامله گر می تواند برای شروع بگیرد

بهبتر است کمی از وقت مان را به بررسی سه تصمیمی که کلیه معامله گران قادرند در بازار اتخاذ کنند بگذرانیم. کلید سودآوری در معاملات فارکس دانستن این نکته است که دیگران چگونه معامله می کنند. معامله گران خرد فکر می کنند بانک ها و موسسات مالی بزرگ به طور کاملاً متفاوت از آنها در حال انجام معاملات خود هستند. این یک اشتباه است. بانک ها در واقع کاملاً مشابه ما معامله می کنند، البته نه از دید استراتژی بلکه از دید تصمیماتی که در بازار مجبور به اتخاذ آنها هستند. تفاوت اصلی در این است که آنها نیاز دارند شرایط خاصی بر بازار حاکم شود تا بتوانند تصمیمات خود را اجرایی کنند در حالی که ما چنین نیازی نداریم. حالا توضیح خواهیم داد. تمام تصمیماتی که همه معامله گران در بازار باید اتخاذ کنند به شرح ذیل است:

1. کجا برای ورود یک معامله اقدام کنند؟
2. چه زمانی معامله خود را ببندند؟
3. کجا اقدام به برداشت سود از یک معامله نمایند؟ اجازه دهید ببینیم یک معامله گر خرد برای اتخاذ تصمیمات بالا به چه چیزی نیاز دارد؟

معامله گران خرد ونحوه قرار دادن یکسفارش برای ورود به معامله:

معامله گران خرد معمولاً بر اساس تامین یک سری شرایط در تحلیل های تکنیکال یک سفارش معامله قرار می دهند. مثلاً شرایطی مثل گذشتن دو میانگین متحرک از روی هم یا یک الگوی شمعی در یک ناحیه حمایتی یا هروشی از تحلیل تکنیکال با توجه به استراتژی هر معامله گر می تواند سیگنال ورود باشد. حقیقت این است که وارد شدن به یک معامله برای معامله گران خرد مشکل خاصی ندارد چون حجم معاملات آنها بسیار ناچیز است.

بستن یک معامله:

معامله‌گران خرد به یکی از دو حالت زیر معاملات خود را می‌بندند. اولین حالت زمانی است که بازار در حال رسیدن به حد ضرر آنهاست که احتمالاً بر اساس ماکزیمم پولی که مایلند از دست بدهند قرار داده می‌شود. دومین حالت زمانی است که یک معامله‌گر خرد به صورت دستی معامله باز خود را ببندد. معامله‌گران زمانی معامله خود را به صورت دستی می‌بندند که یا معامله باز شده قرار بوده زمان کوتاهی باز بماند و آنها بالای سر رفتار قیمت بوده‌اند یا زمان باز نمودن قیمت هرگز به فکر قرار دادن حد ضرر برای معامله خود نبوده و معامله آنها هم‌اکنون در یک ضرر هنگفت قرار دارد.

گرفتن سود:

معامله‌گران خرد زمانی اقدام به برداشت سود معامله خود می‌کنند که احساس نمایند به اندازه کافی پول درآورده‌اند. گاهی اوقات نیز حد سود توسط معامله‌گر در سطح از قبل مشخص شده‌ای، قرار داده می‌شود و معامله بعد از رسیدن به سطح مورد نظر به طور خودکار بسته می‌شود. حال اجازه دهید ببینیم معامله‌گران موسسات چگونه تصمیمات خود را می‌گیرند.

معامله‌گران مؤسسات و نحوه قرار دادن یک سفارش ورود به معامله:

نحوه ورود به معامله معامله‌گران مؤسسات به کلی با نحوه ورود معامله‌گران خرد متفاوت می‌باشد. وقتی یک معامله‌گر خرد تصمیم به ورود به یک معامله می‌گیرد نیازی به فکر کردن به اینکه آیا اساساً سفارشات خرید/فروش به اندازه کافی برای قرار دادن معامله در بازار وجود دارد یا خیر نیست چون حجم معامله او ناچیز است و به سادگی با یک سفارش خرید/فروش موجود تهاتر می‌گردد. از سوی دیگر معامله‌گران مؤسسات معاملاتی با چندین برابر حجم معامله‌گران خرد در بازار قرار می‌دهند. تنها راه برای معامله‌گران مؤسسات برای قرار دادن معاملات خود، وجود حجم معادل سفارش برای تهاتر می‌باشد. به عنوان مثال اگر یک بانک می‌خواهد 100,000 یورو بخرد وی احتیاج دارد که سایرین 100,000 یورو بفروشند وگرنه او قادر به خرید نخواهد بود.

مورد دیگری که معامله‌گران مؤسسات با معامله‌گران خرد در زمینه ورود به معاملات تفاوت دارند، شرایطی است که آن‌ها برای کسب سود از معاملات خود نیاز دارند.

معامله‌گران خرد هنگام وارد کردن معامله به این فکر نمی‌کنند که چگونه می‌خواهند از آن سود کسب کنند، زیرا آن‌ها نمی‌دانند چگونه پول در بازار به دست می‌آید یا از دست می‌رود. برای اینکه کسی از یک معامله سود بدست آورد، باید یک معامله‌گر دیگر به همان اندازه پول از دست بدهد. هرچقدر مبلغی که فرد می‌خواهد بدست آورد بزرگ‌تر باشد، نیاز به معامله‌گران بیشتری برای از دست دادن پول‌شان وجود دارد.

یعنی بانک‌ها تنها زمانی وارد یک معامله می‌شوند که مطمئن باشند تعداد زیادی از معامله‌گران خرد قرار است پول از دست بدهند. اگر بانک‌ها ببینند که درصد کمی از معامله‌گران خرد در فرآیند ورود آن‌ها به بازار پول از دست می‌دهند، زحمت ورود به معامله را به خود نمی‌دهند و صبر می‌کنند تا قیمت به اندازه کافی بالا یا پایین برود تا حجم گسترده‌ای از معامله‌گران خرد وارد معاملات شوند. وقتی به مقدار کافی معامله‌گران در یک جهت وارد شدند، آنگاه بانک‌ها در جهت مخالف وارد شده و باعث گردش قیمت می‌شوند.

بستن معاملات و کسب سود:

شبیه به آنچه که بانک‌ها هنگام ورود به معاملات انجام می‌دهند، برای خروج از یک معامله و کسب سود نیز وجود حجم کافی از سفارشات برای تهاتر معامله لازم است. اگر یک بانک یک معامله بزرگ فروش باز کرده باشد، تنها راه کسب سود از این معامله وجود معامله‌گران کافی جهت ورود به بازار و گرفتن معامله در جهت فروش است.

دلیل این کار این است که وقتی یک معامله‌گر می‌خواهد معامله فروش خود را ببندد و از آن سود کند، باید اقدام به خرید در یک قیمت پایین‌تر کند. برای اینکه کسی بتواند فروش قبلی خود را در قیمت پایین‌تری بخرد، باید فروشنده‌ای در آن سطح قیمت موجود باشد، زیرا تنها راه خرید این است که فردی آماده فروش باشد. اگر فروشنده‌ای موجود نباشد، این معامله صورت نخواهد گرفت.

هرچقدر میزان سودی که یک بانک یا معامله‌گر برای کسب از یک معامله در نظر دارد بیشتر باشد، به تعداد بیشتری از معامله‌گران حاضر به گرفتن معامله در همان جهت نیاز است.

اگر تعداد فروشندگان کافی وجود نداشته باشد، آن گاه امکان کسب سود به میزان دلخواه از معامله خود وجود نخواهد داشت یا حتی بدتر اینکه اصلاً قادر به بستن معامله خود نخواهد بود. چه زمانی بانک‌ها معاملات خود را انجام می‌دهند؟

قبل از اینکه به سوال بالا پاسخ دهیم باید بدانیم چرا روند در بازار، اغلب به زیان معامله‌گران منجر می‌شود؟ ایده‌هایی که در چارچوب روند در بازار مطرح می‌شوند، معمولاً معنای زیادی ندارند و در بسیاری از موارد باعث می‌شوند مردم وارد معاملاتی شوند که روند در حال تغییر یا اصلاح است. روند بازار بر اساس فرضی است که هرچه بازار بیشتر در یک جهت حرکت کند، احتمال ادامه حرکت در همان جهت در آینده بیشتر خواهد بود.

چون تقریباً همه معامله‌گران از ابتدای مسیر خود یاد گرفته‌اند که هم جهت با روند حرکت کنند، باعث می‌شود که اکثر آن‌ها به مفهوم روند باور پیدا کنند. به تصور آن‌ها هرچه بازار در یک جهت حرکت کند، احتمال ادامه حرکت در همان جهت بیشتر است و احتمال تغییر جهت کم‌تر و در نهایت هرچه قیمت بیشتر در یک جهت حرکت کند، تعداد بیشتری از معامله‌گران تمایل دارند در همان جهت معامله کنند.

بنابراین، بانک‌ها برای ورود به معاملات نیاز دارند بازاری را پیدا کنند که برای مدت طولانی در یک جهت حرکت کرده باشد. چون می‌دانند که در این صورت، بیشتر معامله‌گران بازار در همان جهت حرکت خواهند کرد، چرا که مفهوم روند در ذهن آن‌ها شکل گرفته است.



عکس بالا، همانطور که احتمالا می دانید، تغییر روندی است که در چند سال گذشته در USD/JPY رخ داده است.

بانک ها پشت این تغییر حرکت بوده اند و آن ها اولین معاملات خرید خود را زمانی که USD/JPY هنوز در روند نزولی قرار داشت، انجام دادند. در این حالت، قیمت USD/JPY به مدت پنج سال در روند نزولی بوده که به این معناست که بیشتر معامله گران بازار به دلیل باور به ادامه روند، در حال فروش بودند.

آن ها با توجه به تاریخچه بازار به خود می گفتند: "بازار در این پنج سال در حال سقوط بوده، بنابراین روند نزولی بسیار قوی است و بعید است که شاهد تغییر روند باشیم." وقتی تعداد زیادی از معامله گران خرد در حال فروش در بازار هستند، بانک ها این فرصت را پیدا می کنند تا با وارد شدن به معاملات خرید و تغییر روند، سود عظیمی را بدست آورند.

اگر قرار است بازار تغییر کند، تمامی معامله‌گرانی که معاملات فروش باز در بازار دارند، متضرر خواهند شد زیرا بازار در جهت مخالف آن‌ها حرکت خواهد کرد. برای اینکه یک معامله فروش بسته شود، باید از یک سفارش خرید استفاده کرد. با توجه به اینکه بسیاری از معامله‌گران خرد در حال بستن معاملات خود با ضرر هستند، این یعنی حجم عظیمی از سفارشات خرید وارد بازار می‌شود که باعث افزایش قیمت و سودآوری قابل توجه برای معاملات خرید بانک‌ها خواهد شد.

پس از آنکه روند تغییر کرد، حرکت‌های اصلاحی و تثبیتی که در قالب روند صعودی شکل می‌گیرند، شرایط را برای بانک‌ها فراهم می‌کند تا معاملات خرید بیشتری را با حجم کمتری وارد بازار کنند به این دلیل که تنها راه موجود برای بانک‌ها برای ورود به معاملات خرید، وجود حجم کافی از سفارشات فروش مخالف جهت است که بتوانند آن‌ها را تهاتر کنند.

در این مثال، اگر بانک‌ها بخواهند معاملات خرید بیشتری را در جهت روند صعودی وارد بازار کنند، باید سفارشات فروش معادلی وارد بازار شود تا بتوانند معاملات خرید خود را انجام دهند. بنابراین، بانک‌ها نیاز دارند که سایر معامله‌گران وارد معاملات فروش شوند تا با معاملات خرید آن‌ها تهاتر شود. بانک‌ها این کار را با برداشت مقداری سود از روی معاملات خرید موجود خود انجام می‌دهند. زمانی که آن‌ها اقدام به برداشت سود از روی معاملات خرید می‌کنند، سفارشات خریدی که توسط معامله‌گران خرد به دلیل ظاهر روند صعودی وارد بازار شده‌اند، مصرف شده و قیمت شروع به ریزش می‌کند. زمانی که قیمت سقوط می‌کند، معامله‌گران خرد که در جهت صعودی بودند، اقدام به بستن معاملات خود می‌کنند زیرا معاملات خرید آن‌ها در حال حاضر در ضرر است. در همین حین، سایر معامله‌گران خرد با این باور که روند در حال تغییر است، سفارشات فروش باز می‌کنند.

هر دو گروه معامله‌گران در حال قرار دادن سفارشات فروش در بازار هستند، در حالی که این دو عمل کاملاً متفاوت است. با کمک این سفارشات فروش، بانک‌ها قادر خواهند بود معاملات خرید بیشتری را در جهت روند صعودی وارد بازار کنند.

زمانی که بانک‌ها معاملات خرید خود را وارد بازار می‌کنند، سفارشات فروش که توسط معامله‌گران خرد وارد بازار شده است، مصرف شده و قیمت شروع به حرکت در جهت روند صعودی قبلی می‌کند. یک نکته دیگر که قبلاً اشاره شد این است که بانک‌ها برای کسب سود از معاملات خرید خود در زمان اصلاح و تثبیت روند صعودی، نیاز دارند که تعدادی معامله‌گر باشند که با شروع صعود قیمت متضرر شوند.

به این دلیل که در زمان اصلاح و تثبیت روند صعودی، بسیاری از معامله‌گران اقدام به ورود به معاملات فروش با دیدگاه تغییر روند می‌کنند، بانک‌ها می‌دانند که وقتی معاملات خرید آن‌ها باز شود، قیمت شروع به حرکت به سمت بالا خواهد کرد و همه معامله‌گران خردی که اقدام به فروش کرده‌اند، معاملات خود را در ضرر خواهند بست. این خود باعث فشار صعودی به قیمت شده و منجر به سود برای معاملات خرید بانک‌ها خواهد شد.

زمان مناسب که بانک‌ها معاملات خود را انجام می‌دهند:

تا اینجا آموختیم که بانک‌ها تنها زمانی معاملات خود را وارد بازار می‌کنند که بدانند تعداد زیادی از معامله‌گران متضرر خواهند شد. حالا وقت آن رسیده تا درباره نقطه ورود بانک‌ها توضیح دهیم. یکی از نکات مهم این است که روندهای قیمتی باعث ورود تعداد زیادی از معامله‌گران خرد به بازار می‌شوند. بنابراین، برای شناسایی زمان ورود بانک‌ها به معاملات، کافی است ارزی را پیدا کنیم که مدت طولانی در یک روند مشخص حرکت کرده باشد.

البته ما نمی‌توانیم به‌طور دقیق زمان ورود بانک‌ها به معاملات را پیش‌بینی کنیم؛ چراکه تشخیص روندهای بلندمدت به بازه زمانی انتخاب‌شده برای تحلیل بستگی دارد. همچنین، اطلاعاتی مثل حجم سفارشات خرید و فروش که وارد بازار می‌شود و ما به آنها دسترسی نداریم. با این وجود، یک راهنمای کلی داریم که می‌تواند به ما نشان دهد ورود بانک‌ها پس از یک حرکت یک‌طرفه طولانی مدت محتمل‌تر است.



اگرچه پیش‌بینی دقیق زمان ورود بانک‌ها دشوار است، اما می‌توان از تغییرات قیمتی برای شناسایی زمان ورود آن‌ها استفاده کرد. به نمودار EUR/USD در تصویر بالا نگاه کنید.

کسی وارد بازار شده و معاملات خرید انجام داده است!!!

می دانیم که این حرکت نمی تواند نتیجه معاملات خرد باشد، چراکه حجم معاملات خرد به اندازه ای نیست که تغییرات عمده ای در قیمت بازار ایجاد کند. بنابراین، این حرکت صعودی ناشی از ورود بانک ها و معاملات خرید آنهاست.

پس از این حرکت صعودی، بازار وارد فاز تثبیت می شود. با اتمام این فاز، یک حرکت صعودی بزرگ تر با شکست سقف دوره تثبیت رخ می دهد. این حرکت به ما نشان می دهد که بانک ها در طول دوره تثبیت اقدام به انجام معاملات خرید کرده اند. سؤال اینجاست که بانک ها دقیقاً در کجا وارد معاملات شده اند؟

برای پاسخ به این پرسش باید به ابتدای بحث برگردیم. بانک ها تنها زمانی می توانند وارد معاملات شوند که سفارشات کافی برای تهاثر وجود داشته باشد. این سفارشات باید در جهت مخالف معاملاتی باشد که بانک ها قصد ورود به آن را دارند.

در مثال ما، قیمت شروع به حرکت صعودی کرده است، چراکه بانک ها معاملات خرید خود را وارد بازار کرده اند. تنها راه ممکن برای این کار این است که تعداد زیادی از معامله گران خرد اقدام به فروش کرده باشند.

بنابراین، برای شناسایی دقیق محل ورود بانک ها به معاملات خرید، باید نقاطی را پیدا کنیم که معامله گران خرد سفارشات فروش خود را قرار داده اند. زیرا بانک ها به این سفارشات فروش نیاز دارند تا آنها را با معاملات خرید خود تهاثر کنند.



مکان‌هایی را که بانک‌ها اقدام به خرید نموده اند با X در عکس مشخص شده است.

شما سه نوسان نزولی در دوران تثبیت بازار مشاهده می کنید. این سه نوسان نزولی مکان‌هایی هستند که بانک‌ها معاملات خرید خود را در آنجا قرار داده اند دقیقاً جاهایی که باعث حرکت صعودی گردیده است.

در این فایل سعی کردیم شما را با مفهوم تئوری اسمارت مانی و اهمیت آن آشنا کنیم اما شناسایی این ساختار و تحلیل تکنیکال در ساختمان بازار کمی متفاوت است و برای کسب نتیجه بهتر، باید این مفاهیم را به زبان نمودار و کندل‌ها بیاموزید. به همین منظور ویدیو آموزشی آن را به صورت کاملاً رایگان تهیه کرده‌ایم که می‌توانید در کانال یوتیوب ما به آدرس [ViFox College - YouTube](https://www.youtube.com/ViFoxCollege) ببینید.